



## گروه تلاش برای نهادینه کردن حقوق بشر در ایران (مهر ایران)

P.O. Box 2037, P.V.P., CA 90274  
Tel: (310) 377-4590 ; Fax: (310) 377-3103  
E-Mail: mehr@mehr.org ; URL: http://mehr.org

### واقعیت یا اوهام

(نقدی بر گزارش وزارت امور خارجه امریکا)

(محمد پروین)

وزارت امور خارجه امریکا در هفته اول آوریل ۲۰۰۴ با انتشار جزوه ای ۱۵ صفحه‌ای تحت عنوان "فریادهایی که تلاش میکنند شنیده شوند" مواضع خود را در مورد ایران ابراز کرده است.

روی جلد این جزوه تصویر گویائی هست از جوانی که صفحه ای سیاه را در دست دارد که بر آن نقش کف دستی است و بر آن کلمه آزادی نوشته شده است. بگذارید ابتدا مروری بر تصاویر دیگر موجود در این جزوه بکنم که نمایان گر حال و هوایی است که قرارست در خواننده القا کند.

اولین تصویر، از شش زن سراپا غرق در حجاب است که در مقابل نمائی که متعلق به حرم و یا مسجدی هست ایستاده و یا در حال گذر هستند. در صفحه بعد عکسی با حجاب از خانم شیرین عبادی دیده میشود. تصویر بعدی از ماشاله شمس الواعظین، محسن کدیور و سیف زاده در گرد هم آئی اعتراضی ژورنالیست های ایرانی هست. تصویر دیگر، همسران معترض زندانیان ملی مذهبی را نشان میدهد با شعارهایی که بر آن نوشته شده: "ملی مذهبی ها در بند ۵۱ سپاه." در صفحه بعد تصویر ابراهیم یزدی بعنوان یکی از ۲۰۰۰ نفر کاندیداهائی که توسط تند روها حذف شده است دیده میشود. در صفحه بعد عکس دیگری از شیرین عبادی آمده است با این زیر نویس که: "شیرین عبادی بعنوان یک وکیل، یک قاضی، نویسنده و فعال بطور واضح و با قدرت در مملکت خود ایران و مرزهای فرای آن صحبت کرده است." تصویر بعدی از عده ای دانشجو هست با این زیر نویس:

"یک دانشجوی ایرانی در گرد هم آئی سالیانه روز دانشجو در دانشگاه تهران در ۷ دسامبر ۲۰۰۳، شعار میدهد. در حدود ۱۵۰۰ دانشجوی طرفدار اصلاحات جمع بودند که بگویند آزادی بزرگترین خواست ایرانیان پس از گذشت ۲۵ سال از انقلاب اسلامی میباشد."

تنها دو عکسی که متعلق به زهرا کاظمی و فرزاد حسین است که به طیف "اصلاح طلب" تعلق ندارد. مروری کوتاه بر اوهامی که تحت عنوان حقیقت از طرف وزارت امور خارجه امریکا عنوان شده است، بیشتر اهداف این نهاد و نگرش آن را نسبت به رژیم اسلامی روشن میسازد.

## ۱- وزارت امور خارجه امريكا ميگويد:

" امروزه فريادهاي شجاعانه مردم ايران كه براي جلب احترام به حقوق، اعتقادات و نيازهايشان سر داده شده توسط عناصر غير انتخاباتي در دولت خفه شده است."

### واقعيت:

واقعيت آنست كه در رژيم اسلامي هيچ نوع عنصري كه بطور دموكراتيكي انتخاب شده باشد وجود ندارد. آقاي خاتمي، مرد محبوب وزارت امور خارجه امريكا، و سنبل عناصر انتخاباتي، خود در ميان چهار نفر بود كه بعد از حذف ۲۳۴ نماينده از طرف شوراي نگهبان دست چين شد. در كجاي دنيا اينرا فرد انتخاباتي مينامند؟ وزارت امور خارجه امريكا ما و ملت ما را شايسته دموكراسي از آن نوعي كه دنياي نسبتبا آزاد تعريف کرده نمی داند. تمام اين به اصطلاح اصلاح طلبان با گذر از همين فيلتر بود كه به مجلس راه يافتند. و هرگز هم در هيچ مقطع زماني كوچكترين اشاره اي به اين پروسه غير دموكراتيكي نكرده اند.

## ۲- وزارت امور خارجه امريكا ميگويد:

" در ماه جون ۱۹۹۷ و مجددا در سال ۲۰۰۱ محمد خاتمي با شعار اصلاح طلبي طی یک پیروزی قاطع به مقام رياست جمهوري دست يافت. تحقق اين اصلاحات توسط عناصر تند رو درون دولت و بخصوص نهاد غيرانتخابي شوراي نگهبان سد شده است. اصلاح طلبان و مخالفان درون حكومت و همچنين درون جامعه تحت فشار و خفقان دولت و گروه هاي شبه دولتي كه تحت نفوذ روحانيت تند رو ميباشند قرار گرفته اند

### واقعيت:

واقعيت آنست كه شكست "جنبش اصلاحي" مورد ادعای خاتمي نه به علت وجود عناصر تند رو، بلکه به اين دليل بود كه او هيچ گونه خواستي براي تغيير بنيادي وضعيت موجود نداشت و ميخواست در چارچوب قوانين همان به اصطلاح تند روها عمل كند. او از قولهاي توخالي در مورد اصلاحات و تغيير در جامعه استفاده كرد تا بنياد لرزان رژيم را استوار كند و از انفجار نارضايتيهاي مردم جلوگیری كند. بنا بر اين، آنچه كه مخالفان رژيم در جامعه ميخواهند با آنچه كه اصلاح طلبان درون رژيم ميخواهند بسيار متفاوت است. اصلاح طلبان در شرايط بحراني جامعه تشخيص داده اند كه اگر قرار است كه سيستم اسلامي حفظ شود تغييرات ظاهري بايد صورت گيرد. از طرف ديگر آزادي خواهان ما خواهان تغييرات اساسي و در صدر همه جدائي دين از دولت هستند.

## ۳- وزارت امور خارجه امريكا ميگويد:

" شوراي نگهبان براي از بين بردن شانس انتخاب مجدد اصلاح طلبان تقريبا يك سوم ۸۲۰۰ كانديداهای داوطلب و منجمله ۸۰ اصلاح طلبي را كه نماينده مجلس بودند حذف كرد و بطور موثري بدليل هاي دموكراتيكي را كه در اختيار مردم ايران بود محدود كرد."

## واقعیت:

واقعیت اینست که شورای نگهبان مجری قوانین و مقررات نوشته شده در قانون اساسی رژیم اسلامی است. بر خلاف آنچه که از سر سهل انگاری گفته میشود، این شورا نه تنها ماورای قانون عمل نمی کند کارهایش بسیار هم در چارچوب قانون است. منتها هر وقت چوب این قانون به تن خود "اصلاح طلبان" هم میخورد صدایشان بلند میشود. آنهایی که قانون اساسی رژیم را می پذیرند، منجمله اصلاح طلبان، چیزی برای شکایت ندارند. هنگامیکه هزاران نفر کاندیداهای دیگر در انتخابات گذشته مجلس توسط همین شورای نگهبان حذف شدند تا آنها انتخاب بشوند صدائی از هیچ کدام از آنها در نیامد. انتخابات مسخره رژیم دموکراتیک نیستند و در بهترین حالت خود تنها شرکت وفاداران به رژیم را ممکن میسازند. بنابراین، برخلاف ادعای وزرات امور خارجه امریکا هیچ نوع بدیل دموکراتیکی برای مردم ایران وجود ندارد.

## ۴- وزارت امور خارجه امریکا میگوید:

"شیرین عبادی- صدای امید"

## واقعیت:

واقعیت اینست که شیرین عبادی صدای امید اصلاح طلبان حکومتی است. او از جایزه نوبل استفاده کرد تا بگوید ایدئولوژی مذهبی اگر آنچنان که او توصیف میکند پیاده شود "خوب" است و در هماهنگی کامل با حقوق بشر میباشد. او پس از اخذ جایزه نوبل به کرات در دفاع از اصلاح طلبان و امکان اصلاح رژیم سخن گفته است.

## ۵- وزارت امور خارجه امریکا میگوید:

"دانشجویان ایرانی برای خواست آزادیهای بیشتر و دفاع از کوشش های اصلاح طلبانه دولت خاتمی، مجلس و افرادی که مایل به بیان حقیقت هستند بسیج شده اند"

## واقعیت:

واقعیت اینست که دانشجویان ایرانی دیگر از به اصطلاح اصلاحات خاتمی و دولتش دفاع نمی کنند و به کرات آنها را پس زده اند. شعارهایی چون "شرم بر خاتمی" و "خاتمی استعفا بده" و حتی در مواردی "مرگ بر خاتمی" در همه تظاهرات اخیر و همچنین اظهار نظرات رهبران دانشجویی دال بر این مدعاست. دانشجویان ایران در تلاش دستیابی به رژیمی سکولار و دموکراتیک هستند. این نوع رژیم بر حسب تعریفش نمی تواند عناصر روحانی را در بر بگیرد

مواضع اتخاذ شده از طرف وزارت امور خارجه امريكا اگر چه جديد نيست، اما طرح مجددشان نشانه آنست كه بيش از هر زمان ديگر سياست دوگانه امريكا در جهت شكلي واحد گرفتن و سازش با رژيم پيش ميرود. شرايط اسفناكي كه سياست هاي غلط امريكا در عراق پيش آورده است، باعث شده كه لابي گران و طرفداران رژيم هر چه بيشتر بر فشارهاي خود براي سازش با رژيم اسلامي بيافزايند. آنها سياست خارجي امريكا بصورت سپاه و سفيد مطرح ميكنند و با توجه دادن به عواقب حمله به عراق، تنها راه را سازش با رژيم اسلامي جلوه ميدهند.

توصيه ما اينست كه بايد ايرانيان در ابعاد وسيع با تماس با وزارت امور خارجه، پريزدنت بوش و ديگر مقامات و نمايندگان به ارتقاي اصلاح طلبان شديدت اعتراض كنند و اين اعتراض را به ميان مردم جهان ببرند.

بايد گفت كه آنانيكه براي آزادي و دموكراسي مردم ما ارزشي قائل هستند، بايد بجاي ارتقاي اصلاح طلبان بي آبرو، به جنبش جدا از حاكميت ما كه خواستار يك حكومت دموكراتيكي و سكولار هست كمك كنند. بگويند كه رژيم اسلامي را نماينده ملت ما نمي دانند، اين رژيم لايق ارتباط دوستانه نيست و از كمك كردن و مشروعيت بخشي به آن دست بردارند. خواست ما از جامعه جهاني اينست كه با فشار بر دولتهايشان و جلوگيري از كمك آنها به سيستم ظلم در ايران، اجازه دهند كه ما خود برنامه سرنگوني بساط ظلم رژيم را فراهم كنيم.

براي اثبات اين مدعا كه رژيم اسلامي نماينده ما و مردم ما نيست، بايد رژيم اسلامي و بخصوص بخش " اصلاح طلب" آن، اتحاديه اروپا، وزارت امور خارجه، تكنوكراتها و مدرك داران سود جوي ايراني، و همه كساني كه اين واقعيت را نمي پذيرند به چالش طلبيد كه اگر غير از اين است، رژيم مطلوب آنان، رژيم اسلامي، بايد جرات آن را داشته باشد كه خود را در يك فراندم به راي مردم ايران بگذارد. نيك ميدانيم كه رژيم اسلامي هرگز جرات تن در دادن به اين چالش را نخواهد داشت.